

کشف و تبیین تجارب زیسته والدین از هم‌والدگری پس از طلاق

Discovering and Explaining Parents' Lived Experiences of Co-Parenting after Divorce

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.17.4.673>

Z. Rabiee, M.A.

Department of Counseling, Safahan Institute of Higher Education, Isfahan, Iran

R. Izadi, Ph.D.

Department of counseling, Safahan Institute of Higher Education, Isfahan, Iran

L. Mirahmadi, Ph.D.

Department of counseling, Safahan Institute of Higher Education, Isfahan, Iran

زهرا ربیعی

گروه مشاوره، مؤسسه آموزش عالی صفهان

دکتر راضیه ایزدی

گروه مشاوره، مؤسسه آموزش عالی صفهان

دکتر سیده لیلا میراحمدی

گروه مشاوره، مؤسسه آموزش عالی صفهان

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

Abstract

Parenting after divorce is one of the most sensitive tasks for divorced parents and is one of the effective factors in children's mental health. The purpose of this study is to explore and explain parents' lived experiences of co-parenting after divorce. This study was performed qualitatively using Descriptive phenomenology method.

چکیده

فرزندپروری پس از طلاق یکی از تکالیف حساس پیش روی والدین مُطلقه، و از عوامل مؤثر در سلامت روانی فرزندان به شمار می‌آید. هدف از این مطالعه کشف و تبیین تجارب زیسته والدین از هم‌والدگری پس از طلاق است. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد.

[✉]Corresponding author: Department of Counseling, Safahan Institute of Higher Education, Isfahan, Iran
Email: r.izady@safahan.ac.ir

[✉]نویسنده مسئول: اصفهان، جانبازان، گروه مشاوره، مؤسسه آموزش عالی صفهان
پست الکترونیکی: r.izady@safahan.ac.ir

The study population included all parents who had parenting experience after divorce. In this study, data saturation criterion was used to determine the sample size. Using purposive sampling, 12 people (female, male) were selected and interviewed semi-structured. Data were analyzed by Colaizzi seven-step method. The results of the analysis led to the identification of five main themes: The relationship between parents, accountability, supervision, parental challenges and Social-psychological harms in parenting. Parents focused on eliminating the other co-parent as a parental figure – just as their role as a spouse was eliminated after divorce-rather than concentrating on the task of parenting.

Keywords: Divorce, Co-Parenting, Phenomenology, Qualitative Research.

جامعه پژوهش شامل کلیه والدینی بود که تجربه فرزندپروری پس از طلاق را داشته‌اند. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع داده استفاده شد که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۲ نفر (زن، مرد) انتخاب شدند و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. داده‌ها به روش هفت مرحله‌ای کلایزی تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل منجر به شناسایی پنج مضمون اصلی «رابطه والدین در فرزندپروری، پاسخ‌گویی در فرزندپروری، نظارت در فرزندپروری، چالش‌های والدین در فرزندپروری، آسیب‌های اجتماعی - روانی» شد. نگرش والدین به فرزندپروری پس از طلاق به جای هم‌والدگری متمرکز بر حذف نقش والدی طرف مقابل بوده، همان‌گونه که نقش همسری طرف مقابل پس از جدایی حذف شده است.

کلیدواژه‌ها: هم‌والدگری، طلاق، پژوهش کیفی، پدیدارشناسی.

مقدمه

طلاق را می‌توان فروپاشی مهم‌ترین نهاد در جامعه انسانی دانست که نه‌تنها به‌عنوان یک مشکل فردی مطرح می‌شود بلکه یک فرایند چندمرحله‌ای است که از یک سو بر نحوه ارتباط افراد خانواده تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر کل پیکره جامعه را دستخوش مشکلات جدی می‌کند (کالمیجین و درونکرز^۱، ۲۰۱۵). وقوع طلاق در یک نسل، طبق یافته‌ها و پیشینه پژوهشی موجود تنها همان نسل را درگیر نمی‌سازد بلکه نسل‌های بعدی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. افرادی که در خانواده‌های گسسته زندگی کرده‌اند، مستعد تکرار تجربه‌های گذشته در زندگی زناشویی خود هستند، فرزندان خانواده‌های طلاق گرفته نسبت به خانواده‌های عادی بیشتر به ازدواج و روابط زوجی در آینده نگرش منفی دارند (مایلز و سرواتی^۲، ۲۰۱۰) که این نکته آثار جامع و فراگیر اثرات طلاق را بر فرد، خانواده و جامعه نشان می‌دهد و ضرورت بررسی کیفیت فرزندپروری^۳ بعد از طلاق را خاطر نشان می‌سازد.

فرزندپروری یکی از عمده تکالیف و حوزه‌های حساس زندگی زوجین است که تحت تأثیر پدیده طلاق می‌تواند به‌زیستی فرزندان را به مخاطره بیندازد. یکی از پیچیده‌ترین مسائل پیش روی سیاست‌گذاران

خانواده و والدین پس از طلاق این است که کدام سبک حضانت برای مدیریت کودکان بهتر است و پیامد منفی کمتری دارد (نیلسن^۴، ۲۰۱۱). فرزندان به والدین نیاز دارند تا والدین برایشان فاصله بین پذیرش پایان زندگی خانوادگی قبلی و پذیرش زندگی جدید را جا بیندازند و جایگاه خود و والدین را در این زندگی پر کنند. جدایی احساسات زیادی را تحریک می‌کند، نوعی استرس ایجاد می‌کند که می‌تواند انسان را غرق کند و در نتیجه حتی بهترین والدین را - هنگامی که آن‌ها برای مراقبت از فرزندان خود تحت ساختار جدید خانواده تلاش می‌کنند - تحت تأثیر قرار بدهد. هم‌والدگری^۵ یک رابطه مطلوب فرزندپروری پس از طلاق است که با مشارکت هر دو والد در تصمیمات مربوط به فرزندانشان مشخص می‌شود. این وضعیت می‌تواند بر سازگاری فرزندان پس از طلاق تأثیرگذار باشد (بانل و لیتل^۶، ۲۰۱۷).

مطالعات نشان می‌دهد که والدین اساساً از سه سبک فرزندپروری بعد از طلاق استفاده می‌کنند (کراک^۷، ۱۹۹۳)، که عبارت‌اند از فرزندپروری مستقل^۸، فرزندپروری موازی^۹ و هم‌والدگری.

در مدل فرزندپروری مستقل هر یک از والدین نقش‌ها و انتظارات خود را انجام و به فرزندان - زمانی که تحت مراقبت آن‌ها هستند - توجه لازم را می‌کنند. بنابراین در مدل فرزندپروری مستقل، وقتی که زمان مختص مادر است، او قوانین و نظم و انضباط مربوط به خود را تنظیم می‌کند و تمام مسائل را بدون مشورت با پدر انجام می‌دهد. پدر نیز - زمانی که بچه‌ها با او هستند - قوانین و سیاست‌های انضباطی و تصمیمات بی‌شماری را مجدداً بدون مشورت با مادر اتخاذ می‌کند. در شرایط درگیری زیاد، فرزندپروری مستقل اولین قدم یا مدل است که اکثر والدین از آن استفاده می‌کنند.

در فرزندپروری موازی یک مدل تعامل بین والدین وجود دارد و اغلب والدین در دوره‌ای که بعد از طلاق هستند از آن استفاده می‌کنند. در این مدل، هر دو والد برای رسیدن به اهداف مشابه برای فرزندان خود همکاری می‌کنند. والدین به‌طور موقت نیاز دارند درک خود از آنچه در خانواده‌هایشان در رابطه با بچه‌ها انجام می‌دهند را به اشتراک بگذارند و اطمینان حاصل کنند کاری که انجام می‌دهند، مشابه است اما در این روش ارتباط بین والدین ضعیف است و گفت‌وگو بین آن‌ها از طریق واسطه‌ای مثل درمانگر و یا وکیل انجام می‌شود.

مناسب‌ترین مدل والدینی برای فرزندان پس از طلاق، مدلی است که به نام هم‌والدگری شناخته می‌شود. به جای اینکه تمام مسئولیت‌ها فقط بر عهده یکی از والدین باشد، هم پدر و هم مادر متعهد شده‌اند که برای پرورش فرزندان با همدیگر کار کنند و این معنای هم‌والدگری است. این روش به فرزندان این امکان را می‌دهد که با هر دو والد خود ارتباط نزدیک داشته باشند (بلکاستون و هیل^{۱۰}، ۲۰۲۰). وقتی ازدواج به طلاق ختم می‌شود، هر دو والدین باید هنوز با هم همکاری کنند، وظایف والدینی خود را تقسیم کنند و برای رشد آینده فرزندان خود برنامه‌ریزی کنند. هر دوی آن‌ها باید اطمینان حاصل کنند که فرزندان حتی پس از طلاق نیز می‌توانند از عشق و مراقبت مورد نیاز خود برخوردار شوند. در این مدل پدر و مادر همچنان به بحث درباره فرزندان خود می‌پردازند و معمولاً در رابطه با فرزندان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این والدین اغلب از طریق صحبت یا ارتباط تلفنی، سؤالات و نگرانی‌های مربوط به فرزندان را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. از طریق فعالیت‌هایی مثل جشن تولدها، مراسم‌های مدارس و دیگر فعالیت‌های ویژه این امکان را فراهم می‌کنند که کودک بخشی از زندگی هر دو آن‌ها را به صورت هم‌زمان احساس کند (اداره رفاه

اجتماعی^{۱۱}، ۲۰۱۵). هر چند این انتظار که والدین بتوانند علی‌رغم زوجیت ناموفق، بعد از طلاق هم‌والدگری خوبی داشته باشند کمی غیر قابل قبول به نظر می‌رسد اما تحقیقات نشان می‌دهد که سلامت فیزیکی، احساسی و ذهنی فرزندان تحت تأثیر سبک فرزندپروری قرار می‌گیرد (بلک استون و هیل، ۲۰۲۰). برای هم‌والدگری والدین باید از تصمیمات یکدیگر حمایت کنند و در مورد چگونگی پرورش فرزندان با همدیگر توافق کنند و به این توافق پایبند باشند و از تضعیف کردن یکدیگر خودداری کنند (باکلی و فلاو^{۱۲}، ۲۰۱۳).

شواهد نشان می‌دهد که هم‌والدگری با شاخص‌های مختلفی از جمله سازگاری‌های پس از طلاق، رفتارهای مناسب اجتماعی کودکان و شایستگی‌های مناسب با سن کودکان مرتبط است (اسکوپ و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۱). نیکبخت، پاشایی و بستامی^{۱۴} (۲۰۱۶) در پژوهشی دریافته‌اند که تجربه طلاق در زنان به معنای قرارگیری در چتری از آسیب‌پذیری‌های فردی، اجتماعی و بروز پیامدهای مختلفی است که آنان را به بهره‌گیری از مکانیسم‌های حفاظتی همانند مذهب، پنهان‌کاری و تلاش برای سازگاری با شرایط جدید و کاهش آسیب‌های روانی، اجتماعی و جنسی سوق می‌دهد. در این پژوهش تجربه زنان از فرزندپروری پس از طلاق مورد بررسی قرار نگرفته است و آشکار نشده است که تجارب زنان از این پدیده پس از طلاق چگونه است و آن را چگونه توصیف می‌کنند. همچنین خجسته‌مهر^{۱۵} و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی تجارب والدین از فرزندپروری پس از طلاق دریافته‌اند که والدین، فرزندپروری پس از طلاق را تکلیف چالش‌برانگیزی توصیف می‌کنند. چگونگی ارتباط والدین، نیازهای فردی و منابع حمایتی آن‌ها پس از طلاق، می‌تواند نگرش و هیجانات والدین نسبت به فرزندپروری را تحت‌تأثیر قرار دهد. در این پژوهش به بررسی هم‌والدگری والدین در فرزندپروری پس از طلاق پرداخته نشده است. در پژوهشی (سانگ و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۰) تأثیر هم‌والدگری بر رفتارهای کودکان پیش‌دبستانی سنجیده شده و نتایج نشان داده که همکاری بیشتر والدین مهارت‌های فرزندپروری را افزایش می‌دهد و در نتیجه رفتارهای مشکل‌ساز کودکان پیش‌دبستانی کمتر می‌شود، و تعارض والدین با یکدیگر با رفتارهای مسئله‌دار در کودکان مرتبط است. همچنین در پژوهشی (موریتیز^{۱۷}، ۲۰۱۹) به تأثیر طلاق و ازدواج مجدد والدین در سبک دلبستگی در بزرگ‌سالی و تأثیر آن بر روابط عاشقانه فرزندان پرداخته شده. نتایج این تحقیق به درمانگران و متخصصان اهمیت آسیب‌های دلبستگی را نشان می‌دهد و اینکه هر نوع والدینی (والدین تنی و والدین ناتنی) نیاز دارند در زندگی فرزندان نشان مهارت‌های ارتباطی مثبت را ایجاد کنند.

فرزندپروری و طلاق در ایران محور پژوهش‌های بسیاری بوده است، اما مطالعات اندکی به فرزندپروری پس از طلاق پرداخته‌اند. چالش‌های روان‌شناختی، اجتماعی، قانونی و اقتصادی افراد پس از طلاق موضوعی پذیرفته و تأیید شده است. طلاق پژوهی در ایران اغلب بر علت‌پژوهی و پیامدپژوهی متمرکز است (صالح و لویسینی^{۱۸}، ۲۰۱۷). لذا با توجه به لزوم شناخت چالش‌ها و نگرش‌های والدین به فرزندپروری پس از طلاق (به‌عنوان پدیده‌ای که پژوهشگران کمتر به آن پرداخته‌اند)، به منظور شناخت تجارب والدین ایرانی از فرزندپروری پس از طلاق، استفاده از یک روش ژرف‌نگر ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بود که «تجربه زیسته والدین ایرانی از فرزندپروری پس از طلاق چیست؟»

روش

در این پژوهش از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. جامعه پژوهش را والدین دارای تجربه فرزندپروری پس از طلاق در شهر اصفهان تشکیل داده‌اند. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند^{۱۹} انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. بدین ترتیب معیارهای ورود معیارهایی نظیر سکونت در مناطق یک و سه شهر اصفهان، داشتن تجربه طلاق و فرزندپروری پس از آن، تمایل به شرکت در مطالعه و در اختیار گذاشتن تجارب خویش در نظر گرفته شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و از پرسش‌های باز - پاسخ برای کشف تجربه زیسته والدین استفاده شد. به این منظور پژوهشگر ابتدا به تدوین فرم مصاحبه پرداخت. این فرم شامل عنوان طرح تحقیق، زمان مصاحبه، تاریخ و محل مصاحبه بود. در ابتدای این فرم خلاصه‌ای از هدف طرح تحقیق ذکر شده و مصاحبه‌گر با خواندن آن برای مصاحبه‌شونده او را در جریان هدف تحقیق قرار داد. پس از آن هر یک از سؤال‌های مصاحبه به‌ترتیب ذکر شدند.

پیش از اجرای مصاحبه، جهت سنجش اعتبار محتوای مصاحبه‌ها فرم مصاحبه در اختیار چهار تن از متخصصان و استادان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا نظر خود را در خصوص کمیت، کیفیت و شیوه نگارش سؤال‌ها بیان کنند. پس از اعمال اصلاحات مدنظر استادان، سؤال‌ها زیر مورد استفاده قرار گرفت:

۱. بعد از طلاق ارتباط شما با والد دیگر چگونه بود؟
۲. نبود والد دیگر چه تأثیری بر رابطه شما با فرزندانان گذاشت؟
۳. آیا نداشتن حضانت، تأثیری هم بر ارتباط شما با فرزندانان داشته؟
۵. آیا موردی هست که شما بخواهید اضافه کنید و من نپرسیده باشم؟

داده‌ها طبق رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، با استفاده از روش کلایزی تجزیه و تحلیل شدند. هفت مرحله‌ای که کلایزی در تحلیل یافته‌های یک پژوهش پدیدارشناسی لازم و ضروری می‌داند در این پژوهش به‌ترتیب انجام شد: مطالعه دست‌نوشته مصاحبه به منظور کشف معنای اصلی آن، ثبت اظهارات و عبارات مهم در کنار هر مصاحبه، فرموله کردن عبارات معنایی، فرموله کردن واحدهای معنایی به منظور دستیابی به طبقات و زیرمضامین، یکپارچه کردن یافته‌ها به منظور توصیف پدیده مورد بررسی و دستیابی به یک ساختار کلی از پدیده مورد مطالعه و در نهایت اعتباریابی یافته‌ها با برگشت به سوی مشارکت‌کنندگان. پس از ضبط هر مصاحبه و پیاده‌سازی نوشتاری مصاحبه، معنای اصلی مورد نظر مشارکت‌کننده و نکات مبهم هر مصاحبه مشخص شد. در مرحله دوم عبارات مهم در راستای هدف اصلی پژوهش استخراج شد. در مرحله سوم، عبارات به‌عنوان واحدهای معنایی فرمول‌بندی شد. این مراحل برای هر یک از مصاحبه‌ها انجام شد و پس از رسیدن به اشباع نمونه‌گیری متوقف شد. در مرحله چهارم، واحدهای معنایی مشابه در مصاحبه‌ها دسته‌بندی شدند. در مرحله پنجم، بر اساس مشابهت دسته‌بندی‌های حاصل‌شده، زیرمضمون‌ها شکل گرفت و توصیفات مبهم و غیرمرتبط با موضوع مورد بررسی حذف شد. در مرحله ششم، مضامین اصلی بر مبنای ادغام مضامین فرعی (که همچنان شباهت معنایی داشتند) آشکار شد. در مرحله هفتم نیز اعتباریابی صورت گرفت که پیرو تحلیل هر مصاحبه، از مشارکت‌کننده در مورد صحت معنای استخراج‌شده از مصاحبه پرس‌وجو شد.

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	مدت زمان وقوع طلاق	تعداد فرزندان	سن فرزندان	وضعیت حضانت
۱	زن	۳۸	کارشناسی	خانه‌دار	۱ سال و ۶ ماه	۱	۱۳ سال	سرپرست
۲	زن	۳۳	سیکل	سرویس مدرسه	۵ سال	۲	۱۰-۱۴ سال	سرپرست
۳	زن	۴۴	دکتری	تسهیل‌گر	۷ سال	۱	۱۳ سال	سرپرست
۴	زن	۲۸	کارشناسی	مریی باشگاه	۳ سال	۱	۷ سال	فاقد حضانت
۵	زن	۴۷	کارشناسی	طراح	۱ سال	۲	۵-۱۲ سال	سرپرست
۶	زن	۳۹	دکتری	استاد دانشگاه	۱۰ سال	۲	۱۳-۱۷ سال	سرپرست
۷	مرد	۳۸	کارشناسی	کارمند	۳ سال	۱	۷ سال	سرپرست
۸	زن	۲۸	کارشناسی	خانه‌دار	۴ سال	۱	۷ سال	سرپرست
۹	مرد	۳۵	کارشناسی	مدیر تولید	۳ سال	۱	۷ سال	سرپرست
۱۰	زن	۳۲	کارشناسی	خانه‌دار	۴ سال	۱	۱۲ سال	سرپرست
۱۱	مرد	۳۸	کارشناسی	کارمند	۴ سال	۱	۱۱ سال	فاقد حضانت
۱۲	زن	۵۰	کارشناسی	کارمند	۲ سال	۲	۱۲-۱۷ سال	فاقد حضانت

بیان یافته‌ها

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۶۴۸ کد اولیه شد. واحدهای معنایی فرمول‌بندی و بر اساس شباهت معنایی طبقه‌بندی شدند و از ۱۲ مصاحبه انجام‌شده با والدین دارای تجربه فرزندپروری پس از طلاق استخراج شدند. ۲۴ زیرمضمون ایجاد شد و بر مبنای ریشه‌گیری نهایی مشابهت زیرمضمون‌ها، ۵ مضمون اصلی به دست آمد. مضمون‌های اصلی این پژوهش شامل «رابطه والدین در فرزندپروری، پاسخ‌گویی در فرزندپروری، نظارت در فرزندپروری، چالش‌های والدین در فرزندپروری، آسیب‌های اجتماعی - روانی» بود. در ادامه توضیحات هر کدام از مضامین اصلی ارائه شده است.

رابطه والدین در فرزندپروری: یکی از مضامین اصلی این پژوهش رابطه والدین در فرزندپروری بود که شامل زیرمضمون‌های ملاقات، گفت‌وگوی والدین، همکاری، احترام و نحوه ارتباط با فرزند (هنگامی که حضانت با والد دیگر است) می‌باشد. زیرمضمون مشارکت والدین در روند ملاقات فرزند، از مفاهیمی همچون تمایل نداشتن یکی از والدین و همکاری نکردن برای تسهیل ملاقات، حضور نداشتن و یا بی‌تفاوتی والدین به استخراج زیرمضمون «ملاقات» منجر شد.

«گفتن چند روز می‌خواد با پدر باشه من گفتم هر چی می‌خواد ولی خود پدر خیلی تمایل نشون نداد»

(مشارکت‌کننده ۱)

و یا همکاری نکردن والدین در روند ملاقات:

«من دو ماه اجازه ندادم آرمین مادرش رو ببینه؛ آخه اینکه مادر نیست» (مشارکت‌کننده ۷)

تمایل نداشتن برای برقراری ارتباط و اجتناب از گفت‌وگو کردن دو والد در فرایند فرزندپروری منجر به

استخراج زیرمضمون «گفت‌وگو» شد:

«من نه می‌خوام ببینمش نه حتی صداش رو بشنوم» (مشارکت‌کننده ۱۱)

مفاهیمی همچون غیبت یکی از والدین و تمایل نداشتن او برای شرکت در فرزندپروری منجر به استخراج

زیرمضمون «همکاری» شد:

«به من ربطی نداره خودش می‌دونه و پارسا. آن موقع که گفت بچه باید پیش مادرش باشه و حضانت گرفت باید به این روزها فکر می‌کرد» (مشارکت‌کننده ۱۱)

و احترام به والد دیگر در حضور فرزند، از مواردی بود که والدین به آن اشاره داشتند:
«وقتی فراز از پیش پدرش برمی‌گرده خیلی عصبی و پرخاشگر می‌شه. باباش همیشه پشت سر من حرف‌های ناجور می‌زنه» (مشارکت‌کننده ۱)

نحوه ارتباط با فرزند هنگامی که حضانت با والد دیگر است از مفاهیمی بود که والدین به آن اشاره کردند:
«هر موقع بهش زنگ می‌زنم می‌گه مامان بعداً زنگ بزنی، الان کار دارم. احساس می‌کنم هیچ علاقه‌ای به من نداره دیگه» (مشارکت‌کننده ۱۲).

پاسخ‌گویی در فرزندپروری: این مضمون دربرگیرنده زیرمضمین‌های همچون تحصیل، روزهای تعطیل، تعطیلات طولانی، وقت دکتر و درمان، برنامه مراقبتی در موارد ضروری را شامل می‌شود.
«به آن‌ها گفتیم امروز برگه‌ت رو ببر خونه بابا انجام بده، مداد و خودکار هم ندادم، می‌خواستیم ببینم باباش چه کار می‌کنه. وقتی برگشت انجام نداده بود.» (مشارکت‌کننده ۸)

«آدرس خونه‌اش رو ندارم. وکیل بهم گفته اگه بچه رو ببره، دستت به هیچ‌جا بند نیست. حالا همه‌ش من ترس دارم؛ اگه برای عید بخواد بره خونه مامانش من چه کار کنم.» (مشارکت‌کننده ۹)
وقتی والدین بعد از جدایی هم‌والدگری را به‌عنوان سبک فرزندپروری انتخاب نکنند، نمی‌توانند به این نیازهای فرزندشان (که نیاز به ارتباط با هر دو والد، برنامه‌ریزی برای وقت دکتر و درمان و یا حتی موارد اورژانسی است) پاسخ دهند:

«پارسا تشنج کرد. من بردمش بیمارستان اما هر کاری کردم نتونستم با پدرش تماس بگیرم. همه‌ش نگران بودم که چه واکنشی نشان می‌ده وقتی می‌فهمه پارسا بیمارستانه» (مشارکت‌کننده ۱۰)

نظارت در فرزندپروری: این مضمون دربرگیرنده مفاهیمی همچون نظارت روزانه، برنامه درسی، کلاس خصوصی، فوق برنامه، نظم و ترتیب، تشویق و تنبیه و مذهب است.

«در طول هفته که پیش ما بود باید آنلاین به درس‌هاش می‌رسید و ما اینجا قوانینی برای خواب و تلویزیون داشتیم اما آخر هفته که می‌رفت پیش مادرش، همه‌اش به تفریح بود» (مشارکت‌کننده ۷)
«من که نمی‌بینم درس بخونه. پیش خودم می‌گم چند روز پیش منه، ولش کن دیگه.» (مشارکت‌کننده ۱۲)
«من دوست ندارم با مادرش و خانواده مادرش رفت‌وآمد کنه؛ اون‌ها اصلاً از دین و مذهب هیچی سرشون نمی‌شه» (مشارکت‌کننده ۷)

بسیار مهم است که والدین جدا شده دست به دست هم بدهند تا کارهای نظارت بر فرزندان را با یکدیگر انجام دهند و با در نظر گرفتن نیازهای فرزندان بر اساس سن، شخصیت و مرحله رشد با همدیگر برای فرزندان برنامه‌ریزی کنند و لازمه آن داشتن سبک فرزندپروری هم‌والدگری است.

چالش‌های والدین در فرزندپروری: این مضمون شامل زیرمضمون‌هایی همچون بحران نوجوانی، ازدواج والدین و هیجان‌های والدین است که شامل مفاهیمی همچون موارد زیر است:

«از اینکه با من و پدرش روابط صمیمی نداره نگران‌ش هستم؛ اون فقط می‌خواد با دوستاش باشه» (مشارکت‌کننده ۱۲)،

«من یک سال است که ازدواج کرده‌ام ولی به آن‌ها گفتیم که به پدرش نگه» (مشارکت‌کننده ۸)
 «من از همسر سابقم متنفر هستم، نمی‌خوام صدایش رو بشنوم. هرچی می‌خوام بهش زنگ بزنم نمی‌تونم. به پارسا می‌گم خودش با مادرش حرف بزنه» (مشارکت‌کننده ۱۱)

آسیب‌های اجتماعی – روانی: آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی شامل زیر مضامین سایکوز، اختلال شخصیت، اعتیاد و مصرف الکل بود که از گفته مشارکت‌کنندگان مختلف برمی‌آید:

«پدرشان اسکیزوفرن هست؛ به بچه‌ها می‌گه از لوله بخاری یه نفر داره می‌یاد داخل». (مشارکت‌کننده ۵)

«پدر نگیں همیشه مسته و نگیں هر چی بهش زنگ می‌زنه، فقط یه کلمه می‌گه: چی بابا؟» (مشارکت‌کننده ۲)

مضامین و زیرمضامین آشکارشده از تحلیل داده‌ها به‌طور خلاصه در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲: خلاصه مضامین اصلی و زیرمضامین آشکارشده از تحلیل داده‌ها

مضمون اصلی	زیرمضمون	واحد معنایی
رابطه والدین در فرزندپروری	ملاقات گفت‌وگو همکاری نحوه ارتباط با فرزند هنگامی که حضانت با والد دیگر است احترام	همکاری نکردن در روند ملاقات همکاری نکردن برای ایجاد گفت‌وگو حذف وظیفه والدی نادیده گرفتن والد دیگر، نقش میانجی فرزند برای ارتباط بین والدین خشونت کلامی
پاسخ‌گویی در فرزندپروری	تحصیل روزهای تعطیل تعطیلات طولانی وقت دکتر و درمان برنامه‌های مراقبتی در موارد ضروری	همکاری نکردن در امور تحصیلی همکاری نکردن برای روزهای تعطیل همکاری نکردن در امور درمانی دسترسی نداشتن در مواقع ضروری
نظارت در فرزندپروری	نظارت روزانه برنامه درسی کلاس خصوصی فوق برنامه نظم و ترتیب تشویق و تنبیه مذهب	نظارت نداشتن در بهداشت، تغذیه و خواب نظارت نداشتن در روند تحصیل نظارت نداشتن در امور تربیتی نظارت نداشتن در امور مذهبی
چالش‌های والدین در فرزندپروری	بحران نوجوانی ازدواج والدین هیجان‌های والدین	تأثیر تغییرات رشد روانی - اجتماعی ترس از دست دادن فرزند به خاطر ازدواج ارتباط نداشتن با والد به علت تنفر
آسیب‌های اجتماعی - روانی	سایکوز اختلالات شخصیت مصرف الکل اعتیاد	ناتوانی در ارتباط به خاطر بیماری روانی ناتوانی در ارتباط به خاطر مصرف الکل ناتوانی در ارتباط به خاطر اعتیاد

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نگرش اغلب والدین به فرزندپروری پس از طلاق به جای هم‌والدگری، متمرکز بر حذف نقش مؤثر و با اهمیت والد مقابل است و این گونه می‌پندارند که همان‌گونه که نقش همسری طرف مقابل پس از جدایی حذف شده است باید نقش والدگری او هم حذف شود. این نگرش نامطلوب در فرزندپروری والدین جداشده از هم به‌عنوان راه حلی برای مقابله با هیجانات ناشی از جدایی از سوی آن‌ها اتخاذ می‌شود و منجر به انتخاب سبک‌های ناکارآمد فرزندپروری پس از طلاق می‌شود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که والدین عمدتاً دو سبک مستقل و موازی و اغلب ناهمگون را به‌عنوان سبک فرزندپروری خود بر می‌گزینند و هیچ آگاهی‌ای در خصوص هم‌والدگری، و تأثیر و اهمیت همکاری و ارتباط والدین برای پیشگیری از آسیب‌های پس از جدایی بر فرزندان خود و فراهم آوردن شرایط نسبتاً امن و باکیفیت برای آن‌ها ندارند. یافته‌ها نشان می‌دهد در فرآیند جدایی و بعد از آن، والدین اغلب با احساسات مخرب خود دست به گریبان هستند، احساساتی که موجب اختلال، سردرگمی، ناامیدی و تداخل در فرزندپروری بین آن‌ها می‌شود (بانل و لیتل، ۲۰۱۷).

همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که والدین درک مشخصی از مضامین فرعی رابطه والدین در فرزندپروری پس از طلاق (که شامل ملاقات، گفت‌وگو، احترام، همکاری، نحوه ارتباط با فرزند هنگامی که حضانت با والد دیگر است) ندارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد گرایش اولیه والدین بعد از جدایی در جهت حذف والد دیگر، بدون در نظر گرفتن تأثیر آن بر فرزندان است. در حالی که همین والدین پس از مدتی به جای خالی والد دیگر پی می‌برند و یا با گذشت زمان با این واقعیت مواجه می‌شوند و به این نتیجه می‌رسند که حذف طرف مقابل چه اثرات مخربی بر روی فرزند یا فرزندان داشته است. یافته‌ها حاکی از آن است که مضامین فرعی پاسخ‌گویی در فرزندپروری (که شامل تحصیل، روزهای تعطیل، تعطیلات طولانی، وقت دکتر و درمان و برنامه‌های مراقبتی در موارد ضروری) از زیرمضامینی است که در سبک فرزندپروری هم‌والدگری از اهمیت زیادی برخوردار است، و لازمه آن تشریح مساعی و همکاری و گفت‌وگو بین والدین جداشده از هم برای پیشگیری از بروز مشکلات و آسیب‌ها برای فرزندان و دستیابی به بیشترین نفع برای آن‌ها است، اما در ارتباط والدین پس از طلاق کاملاً نادیده گرفته می‌شود و جای خالی آن در فرزندپروری پس از جدایی به‌روشنی محسوس است.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زیرمضامین نظارت در فرزندپروری (که شامل نظارت روزانه، برنامه درسی، کلاس خصوصی، فوق برنامه، نظم و ترتیب، تشویق و تنبیه و مذهب است) نیاز به ارتباط داشتن والدین در فضایی بدون خشم و تنش و عواطف رنج‌آور، عصبانیت، ترس و اضطراب یا خستگی بیش‌ازحد است و از آنجا که مقابله با این عواطف و احساسات مخرب در فرآیند جدایی و پس از آن اجتناب‌ناپذیر است، پس ضرورت آموزش مهارت‌های مدیریت هیجانات مخرب برای والدین ضروری است و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد جای خالی این نوع آموزش‌ها برای چگونگی برخورد والدین جداشده از هم با این عواطف و هیجانات مخرب در راستای تصمیم‌گیری و کمک به رشد فرزندان و رساندن بهترین منفعت به فرزندان مشهود است. در زیرمضمون هیجان‌های والدین از سوی مشارکت‌کنندگان بسیار به آن اشاره شد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد در زیرمضمون ازدواج مجدد والدین که یکی از چالش‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر بود، گرایش بسیار بالایی در جهت حذف والد مقابل در گفته‌های این مشارکت‌کنندگان قابل مشاهده بود به گونه‌ای که آن‌ها می‌پنداشتند با ازدواج مجدد می‌توانند به جای هم‌والدگری، همسر جدید خود را جایگزین والد فرزندشان در امور مربوط به فرزندپروری و سایر مسائل آن‌ها کنند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد در دوره نوجوانی جدایی والدین و خصومت و ارتباط نداشتن آن‌ها با یکدیگر، انجام وظایف مربوط به فرزندپروری در دوره نوجوانی را برای والدین جدا شده از هم دشوار و چالش‌برانگیز کرده است. نتایج نشان می‌دهد که در مورد زیرمضامین آسیب اجتماعی - روانی چگونگی ارتباط والدین با فرزندانشان و نبود هم‌والدگری و همراهی و مدیریت آن توسط والدین تا چه اندازه محسوس است. و گرایش والدین اغلب در جهت حذف والد دیگر مشاهده شد. این اجتناب از هم‌والدگری تحت تاثیر این تفکر بوده که حضور والد مقابل آسیب بیشتری به فرزندان ما خواهد زد و به این دلیل ترجیح می‌دادند از هم‌والدگری پرهیز کنند.

رابطه والدین در فرزندپروری، پاسخ‌گویی در فرزندپروری و نظارت در فرزندپروری سه تا از مضامین اصلی این پژوهش بود و با نتایج تحقیق خجسته مهر و همکاران (۲۰۱۷) - که با رویکرد کیفی پدیدارشناسی، به بررسی تجارب والدین از فرزندپروری پس از طلاق پرداخته بودند - همخوانی داشت و هیجان‌های والدین که یکی از زیرمضامین پژوهش حاضر است در پژوهش فوق به‌عنوان مضمون اصلی مورد توجه قرار گرفته بود درحالی‌که مضامین اصلی چالش‌های والدین و آسیب‌های اجتماعی - روانی والدین در پیشینه پژوهشی موجود مورد توجه قرار نگرفته بود.

همکاری والدین در ملاقات فرزندان یکی از مضامین فرعی پژوهش بود و با نتایج تحقیق باچبیندر^{۲۰} (۲۰۱۵)، - که با رویکرد پدیدارشناسی به بررسی تجربه زیسته پدران از دیدار با فرزندان در مراکز ملاقات پرداخته بود - همخوانی داشت درحالی‌که مضامین فرعی شامل گفت‌وگو، نحوه ارتباط با فرزندان هنگامی که حضانت با والد دیگر است و احترام، ازدواج والدین در پیشینه پژوهشی موجود استفاده نشده بود.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده به مقایسه تاثیر حذف والدی که دارای آسیب‌های اجتماعی - روانی است و حضور او با در نظر گرفتن سبک فرزندپروری هم‌والدگری بر رشد فرزندان پرداخته شود. در این پژوهش جای خالی آموزش والدین مطلقه برای آشنایی و انتخاب سبک فرزندپروری مبتنی بر هم‌والدگری در بین مشارکت‌کنندگان مشاهده می‌شود. با توجه به مضامین و زیرمضامین هم‌والدگری به‌دست‌آمده در این مطالعه، امید است بسته آموزشی برای مشاورین و متخصصینی که در زمینه فرزندپروری پس از طلاق فعالیت دارند تدوین شده تا ابزار مناسبی برای مشاوره‌ها و مداخلات آموزشی در جهت هدایت والدین جدا شده از هم و اصلاح نگرش و گرایش‌های آن‌ها در راستای فرزندپروری مطلوب براساس هم‌والدگری باشد و به آن‌ها کمک کند در برخورد با هیجانات در فرایند جدایی و پس از آن توانمند شوند. این بسته همچنین می‌تواند مورد استفاده مشاورین و متخصصین در این زمینه قرار بگیرد.

در مسیر دستیابی به پاسخ سؤال این پژوهش مبنی بر هم‌والدگری پس از طلاق، تیم پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند. اصلی‌ترین محدودیت پژوهش‌های کیفی تعمیم‌پذیری یافته‌های آن‌ها است. با توجه به نمونه ۱۲ نفری محدودیت تعمیم‌پذیری به نمونه‌های دیگر وجود دارد.

محدودیت دیگر اینکه مردان به سبب فرایند جامعه‌پذیر شدن‌شان کمتر از زنان، خودافشایی و ابراز هیجانات و احساسات دارند و ممکن است این ویژگی، نتایج پژوهش را در مورد بازشناسی چالش‌های والدگری پس از طلاق در مردان تحت تأثیر قرار دهد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه مسئله داشتن یا نداشتن فرزندان عامل مهمی در نحوه نگرش والدین به تجربه فرزندپروری بعد از طلاق است و از مشارکت‌کنندگان در پژوهش تنها ۳ مورد فاقد حضانت بودند در تعمیم نتایج به نمونه‌های دیگر باید احتیاط کرد. برای اطمینان بیشتر پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی این عامل مورد توجه ویژه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------|--|
| 1. Kalmijn & Dronker | 11. Social welfare Department |
| 2. Miles & Servaty | 12. Buckley & Fellow |
| 3. parenting | 13. Schoppe |
| 4. Nielsen | 14. Nikbakht & Pashaei Sabet & Bastami |
| 5. Co- parenting | 15. Khojasteh-Mehr |
| 6. Bonnell & Little | 16. Song |
| 7. Kruk | 17. Mortis |
| 8. Independent parenting | 18. Saleh & Luppicini |
| 9. Parallel parenting | 19. Purposeful sampling |
| 10. Blackstone & Hill | 20. Buchbinder |

منابع

خجسته‌مهر، ر.، فلاحتی‌خشکناب، م.، حجاری، س.، و سودانی، م. (۱۳۹۶). فرزندپروری پس از طلاق: یک پژوهش کیفی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۵(۲)، ۲۳۹-۲۴۵.

نیکبخت‌نصرآبادی، ع.، پاشایی ثابت، ف.، و بستامی، ع. (۱۳۹۵). تجربه زندگی زنان پس از طلاق: یک مطالعه کیفی. *روان‌پرستاری*، ۴(۳)، ۶۶-۷۴.

- Blackstone, J., & Hill, D. L. (2020). *Co-parenting Through Separation and Divorce: Putting Your Children First*. American Academy of Pediatrics.
- Bonnell, K., Little, k. (2017). *raising well- adjusted and resilient kids from little ones to young Adults Through Divorce or Separation*, New York: Sasquatch Books.
- Buckley, C. K., & Fellow, P. (n.d.). Co-Parenting after Divorce: Opportunities and challenges. *Clinical Science Insights*, 10(1), 23-29.
- Buchbinder, E. (2015). Fathers under scrutiny: Nonresidential fathers' perceptions of visitation centers. *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(2), 155-169.
- Kalmijn, M., & Dronkers, J. (2015). Lean on me? The influence of parental separation and divorce on children's support networks in four European countries. *Sonderheft-Journal of Family Research*, 10(2), 21-42.
- Khojasteh-Mehr, R., Fallahi-khoshknab, M., Hajjari, S., & Sodani, M. (2017). Parenting

- after Divorces: A Qualitative Research. *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 15(2), 239-245 [in Persian].
- Kruk, E. (1993). Promoting co,operative parenting after separation: a therapeutic/-interventionist model of family mediation. *Journal of Family Therapy*, 15(3), 235-261.
- Miles, N. J., & Servaty-Seib, H. L. (2010). Parental marital status and young adult offspring's attitudes about marriage and divorce. *Journal of Divorce and Remarriage*, 51(4), 209-220.
- Mortis, B. (2019). *The Effects of Parental Divorce and Remarriage on Emerging Adult's Romantic Attachment Styles*. Ph.D Dissertations in Family Sciences. University of Kentucky.
- Nielsen, L. (2011). Shared parenting after divorce: A review of shared residential parenting research. *Journal of Divorce and Remarriage*, 52(8), 586-609.
- Nikbakht, A., Pashaei Sabet, F., & Bastami, A. (2016). Life of Women after Divorce. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 4(3), 66-74 [in Persian].
- Saleh, R. H., & Luppincini, R. (2017). Exploring the challenges of divorce on Saudi women. *Journal of Family History*, 42(2), 184-198.
- Schoppe, S. J., Mangelsdorf, S. C., & Frosch, C. A. (2001). Coparenting, family process, and family structure: Implications for preschoolers' externalizing behavior problems. *Journal of Family Psychology*, 15(3), 526-545.
- Song, S. (2020). *Co-parenting, parenting, and preschool children's adjustment*, thesis of Master of Science in Family Studies. Texas University.
- Social Welfare Department.(2015).*Marriage may end but parenthood goes. Hand book for parents 3*, Received from <http://www.swd.gov.hk/en/index/>.